

تأثیر خروج آمریکا از توافقنامه آب و هوایی پاریس بر رژیم بین‌المللی محیط زیست

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1400.28.1.5.4

زهره کبیری آبیاریان* رحمت حاجی‌مینِه*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۹

چکیده

توافق پاریس برای جلوگیری از نابودی محیط زیست، از سوی کشورهای شرکت‌کننده و در بیست و یکمین نشست بین‌المللی تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد در پاریس امضا شد. این توافق برای حمایت از محیط زیست توسط برخی از کشورهای جهان شکل گرفت و هدف بلندمدت آن عبارت است از این که دمای کره زمین تا پایان قرن به جای دو درجه به ۱/۵ درجه سانتیگراد افزایش یابد. دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا خروج ایالات متحده از پیمان اقلیمی پاریس را اعلام کرد. او در مبارزات انتخاباتی‌اش این وعده را داده و گفته بود که معاهده پاریس به نفع آمریکا نیست. همزمان ترامپ اعلام کرد که در پی ایجاد یک قرارداد اقلیمی جدید است به نحوی که منافع آمریکا در آن تأمین شود و سایر کشورها نیز از آن سود ببرند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و نظریه‌ی مکتب انتقادی درخصوص محیط زیست در پی پاسخ به این سؤال است که خروج آمریکا از توافقنامه پاریس چه تأثیری بر رژیم بین‌المللی محیط زیست دارد؟ فرضیه مقاله نیز این است که خروج آمریکا از توافقنامه پاریس با تحریک سایر اعضا برای خروج و افزایش تخریب زیست محیطی و کاهش تعهد به اجرای توافقنامه پاریس موجب تضعیف رژیم بین‌المللی محیط زیست و تشدید روند تغییرات اقلیمی خواهد شد.

واژگان کلیدی: توافقنامه پاریس، تغییرات اقلیمی، محیط زیست، ترامپ، مکتب انتقادی.

* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Z-kabiri2000@yahoo.com

** استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

مقدمه

در سالیان اخیر تغییرات آب‌وهوایی به‌عنوان یکی از مسائل مشترک بشریت از زوایای مختلفی بررسی شده است. با توجه به ماهیت و روند رو به رشد تغییرات آب‌وهوایی که ناشی از فعالیت‌هایی با منشأ انسانی‌اند و عدم امکان کنترل واقعه مذکور به‌صورت محلی، نیاز برای تلاش جمعی توسط کلیه دولت‌های جهان به‌وضوح احساس شد. توافق پاریس که با نام پیمان پاریس نیز شناخته می‌شود، ذیل چارچوب پیمان‌نامه سازمان ملل در تغییر اقلیم (UNFCCC) در رابطه با کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای، سازگاریو امور مالی است که از سال ۲۰۲۰ شروع می‌شود.

روز دوم ژوئن ۲۰۱۷ دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد از این توافق انجام شده بیرون می‌آید. در حالی که رئیس‌جمهور قبلی آمریکا باراک اوباما آن را امضا کرده بود. وی دلیل آن را مغایرت با منافع آمریکا عنوان نمود. ترامپ اضافه کرد که خروج از این توافق صنایع زغال سنگ و نفت را رونق خواهد بخشید.

تغییرات اقلیمی مسئله‌ای است که با نظم جهانی سروکار دارد و به‌صورت طبیعی به قدرتمند شدن یا کاهش قدرت و یا نابودی برخی کشورها می‌انجامد. چه بسا با بالا آمدن سطح اقیانوس‌ها، انگلستان به زیر آب رود. از این رو این مسئله همچون بمب اتم، تهدیدی برای بشریت است و مورد دغدغه مردم، دانشمندان و ... خواهد بود و از سوی دیگر ظرفیت ایجاد رژیم بین‌المللی را دارد. اگر هدف کلی قدرت‌های مسلط و تاثیرگذار، حفظ نظم موجود و حفظ جایگاه خویش باشد، با ایجاد تغییرات آب و هوایی، لزوم برخورد مناسب و بدون هرج و مرج و از هم‌گسیخته با این رویداد نیاز است. از این‌رو ایجاد یک رژیم زیست‌محیطی، مسئله‌ای غیرقابل انکار است. به‌طور کلی رژیم‌ها باعث می‌شوند که هزینه‌ها بین دولت‌ها تقسیم شود، رژیم‌ها، دیپلماسی را سهل کرده و ایجاد نظم می‌کنند. (عسگرخانی، ۱۳۸۱: ۱۸۸) از این رو ایجاد یک رژیم برای حفظ نظم موجود و هدایت تغییرات برای کشورهای قدرتمند لازم است. بر این اساس، مقاله حاضر ضمن بررسی دلایل و ریشه‌های این خروج درصدد است بررسی کند که این خروج بر رژیم بین‌المللی محیط‌زیست چه تأثیری دارد؟

چارچوب نظری: محیط‌زیست در نظریه‌های متأخر روابط بین‌الملل

در این قسمت و به عنوان چارچوب نظری مقاله به نظریه‌های روابط بین‌الملل و محیط‌زیست می‌پردازیم که در این راستا نظریه‌های واقع‌گرایی، نواقع‌گرایی و لیبرالیسم اهمیت و تناسب دارند. سپس به بررسی مکتب انتقادی به عنوان مهمترین نظریه‌ای که قابلیت تطبیق با موضوع محیط زیست دارد واری می‌کنیم.

واضح است که نظریه‌پردازان رئالیست بر مسائل نظامی، امنیتی و اقتصادی تمرکز نموده و اصولاً توجهی به مسائل زیست‌محیطی نداشته‌اند، اما با طرح این مسائل در عرصه بین‌المللی تلاش نموده‌اند به این موضوعات نیز بپردازند. واقعیت آن است که موضوعات زیست محیطی در بطن فرآیندهای محلی، ملی و بین‌المللی قرار دارند که این رابطه از چشم واقع‌گرایی پنهان می‌ماند. به عبارت دیگر، واقع‌گرایی با جدا ساختن عرصه داخلی از بین‌المللی باعث می‌گردد موضوعات زیست محیطی که هم دارای بُعد بین‌المللی و هم داخلی هستند مورد مطالعه قرار نگیرند (ترابی، ۱۳۸۹: ۷۴۲).

در نگاه واقع‌گرایی به طبیعت، اصولاً جغرافیا تنها زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که میزان تأثیر آن در قدرت ملی مورد سنجش است. به عبارت روشن‌تر، در چارچوب واقع‌گرایی نگاه به طبیعت حالت ابزاری دارد. طبیعت صرفاً یکی از متغیرهای قدرت ملی است و نه محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند. به همین دلیل در نظریه‌های رئالیستی هیچ‌گاه ارزش طبیعت و محیط‌زیست به شکل جدی مورد پذیرش قرار نگرفته است. این امر ناشی از آن است که برای دهه‌ها موضوعات زیست محیطی در حاشیه نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل قرار داشته است.

نظریه‌های لیبرالیستی در مقایسه با واقع‌گرایی از توانایی بهتری در تجزیه و تحلیل مسائل زیست محیطی برخوردار باشند (ترابی، ۱۳۸۹: ۷۴۸). از نظر لیبرال‌ها مسائل زیست محیطی حوزه دیگری از همکاری بین کشورها ایجاد می‌کنند و به شکل گیری رژیم‌ها و نهادهای بین‌المللی می‌انجامد که همگی این موارد در راستای آرا و اندیشه‌های آن‌ها قرار دارند. از نظر

این افراد با توجه به این که مسائل زیست محیطی عمدتاً ماهیت جهانی و منطقه‌ای دارند، در نتیجه راه‌حل‌های آن‌ها نیز باید جهانی و منطقه‌ای در قالب همکاری‌های گسترده بین‌المللی میان کشورها و سایر بازیگران بین‌المللی باشد. در چارچوب لیبرالیسم برای این باور تأکید می‌شود که کشورها در حوزه‌هایی که منافع مشترک دارند رو به همکاری می‌آورند. واقعیت این است که استدلال لیبرال‌ها در مورد این که ماهیت پدیده‌های زیست محیطی به شکلی است که چاره‌ای جز همکاری در مورد آن وجود ندارند، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد (ترابی: ۱۳۸۹: ۷۴۹).

در حال حاضر، در سطح جهان تحولاتی در ترکیب شیمیایی جو، تغییرات اکولوژیکی و تنوع ژنتیک گونه‌های مختلف حیات زیستی بر کره‌ی زمین، در حال وقوع است که هم از نظر جنبه‌های حیاتی و هم از نظر ریتم، پیشینه‌ای برای آن نمی‌توان متصور شد. بنابراین نظریه‌پردازان مکتب انتقادی این سوال را مطرح می‌کنند که اگر امنیت سازی دارای ابعاد گوناگونی است؛ حفظ و بقاء جامعه‌ی بشری چه جایگاهی دارد؟ این افراد نسبت به تسریع رشد فعالیت‌های اقتصادی و عدم توجه سرمایه‌داری به روندهای زیست محیطی ابراز نگرانی کرده‌اند. تهدیدات ناشی از تولید فزاینده و توسعه سریع و همچنین منابع تجدیدنپذیر و منازعات منطقه‌ای از جمله تهدیدات اصلی در این زمینه به‌شمار می‌روند. بحران هویت اجتماعی ناشی از پناهندگی، مهاجرت و حاشیه نشینی که دلیل عمده آن را در دهه‌های اخیر می‌توان تخریب محیط زیست دانست موج جدیدی از نگرانی‌های دستیابی به امنیت پایدار جهانی را ایجاد نموده است. یکی دیگر از دلایل ظهور جنبش‌های اجتماعی در قالب مکتب انتقادی را می‌توان فقدان منابع اقتصادی ناشی از تخریب محیط زیست دانست. از مهم‌ترین اندیشمندان این مکتب ماکس هورکه‌ایمر، تئودور آدورنو، هربرت مارکوزه، والتر بنیامین و یورگن هابر ماس هستند (مصلی نژاد، ۱۳۸۷: ۵۳).

نظریه‌پردازان مکتب انتقادی تلاش دارند تا مفهوم سازی جدیدی را برای تهدید مشترک موضوعات امنیتی بوجود آورند. آن‌ها در تلاش هستند تا این دلایل را پررنگ نموده و زمینه‌های همکاری متقابل را جهت دستیابی به ایجاد امنیت فراگیر با مفهوم جدیدش فراهم سازند. به

همان گونه‌ای که موضوعات زیست‌محیطی در قالب نشانه‌های امنیت بین‌الملل مورد توجه و پردازش قرار می‌گیرد، باید آن را به عنوان نمادی از همکاری‌گرایی بین‌المللی، اجتماعی و انسانی نیز دانست. نظریه‌پردازان امنیت زیست‌محیطی که در قالب مکتب انتقادی فعالیت نموده‌اند، فعالیت‌های خود را در دو بخش مرتب کرده‌اند. جنبش‌های اجتماعی زیست‌محیطی را می‌توان نگرش انتقادی به روند سریع تحولات اقتصادی و صنعتی در دنیای مدرن دانست، زیرا دنیای مدرن دارای پیامدهایی است که نیاز جدی به محافظت و کنترل دارد. برخی از اثرگذارترین پادفرهنگ‌ها در جوامع ما به صورت تبعیت مطلق از قوانین طبیعت تعریف شده‌اند و از همین روی بر اولویت احترام به طبیعت در مقابل تمامی نهادهای بشری تأکید می‌کنند (پین، ۱۳۹۴: ۷۶).

قسمت برجسته‌ی موفقیت جنبش محیط‌زیست از این حقیقت ناشی می‌شود که این جنبش، بیش از هر نیروی اجتماعی دیگری، به بهترین نحو با شرایط جهانی شدن، ارتباطات، تجهیز و بسیج، در پارادایم نوین تکنولوژیکی سازگار بوده است. به این ترتیب نظریه‌پردازان از طریق پادفرهنگ‌ها، جهان ارزش‌های موجود در سرمایه‌داری را با «فرهنگ‌های مخالف» ارائه دادند. با این که این نهضت به طور کلی متکی به سازمان‌های مردمی است، اما تعاملات محیط‌زیستی بر مبنای خلق رویدادهای مورد بحث رسانه‌ها عمل می‌کند. محیط‌زیست‌گرایان، با آفرینش رویدادهایی که توجه رسانه‌ها را به خود جلب می‌کند، قادر خواهند بود به مخاطبانی بیشتر در سراسر جهان دست یابند. در چنین روندی شاهد بروز و ظهور موج سیاسی جدیدی هستیم که مبتنی بر روندهای انتقادی نسبت به گسترش بیش از حد تولید صنعتی در جامعه‌ی سرمایه‌داری بوده و به عنوان عامل اثرگذار بر تعادل اقتصادی برای زیست سالم و پایدارتر در نظر گرفته می‌شود. بنابراین جنبش‌های اجتماعی زیست‌محیطی را که توسط اندیشمندان مکتب انتقادی مطرح شده می‌توان به عنوان تفسیر جدیدی از ارزش‌ها، باورها و هنجارها، برای ارتقاء قابلیت‌های بازتولید جامعه تلقی کرد (مصلی نژاد، ۱۳۸۷: ۵۴).

در همین راستا، اولین نشانه تهدید امنیت زیست‌محیطی را می‌توان در محدودیت‌های ۱۳۹

استفاده از منابع دانست. در حال حاضر، در سطح جهان تغییراتی در ترکیب شیمیایی جو، تنوع ژنتیک گونه‌های ساکن در کره زمین، و چرخه مواد شیمیایی حیاتی در اقیانوس‌ها، جو زیست‌کره در حال وقوع است که هم از نظر ابعاد و هم از نظر آهنگ، سابقه‌ای برای آن نمی‌توان یافت. حرکت‌های زیست محیطی نسبت به رشد سریع فعالیت‌های اقتصادی و عدم توجه سرمایه‌داری به روندهای زیست محیطی ابراز نگرانی کرده‌اند. در نگاه آنان، تهدیدات ناشی از تولید فزاینده و توسعه سریع و همچنین منابع تجدیدناپذیر و منازعات منطقه‌ای از جمله تهدیدات اصلی در این زمینه به‌شمار می‌روند. بحران هویت اجتماعی ناشی از پناهندگی، مهاجرت و حاشیه نشینی که دلیل عمده آن را در دهه‌های اخیر می‌توان تخریب محیط‌زیست دانست موج جدیدی از نگرانی‌های دستیابی به امنیت پایدار جهانی را ایجاد نموده است. یکی دیگر از دلایل ظهور جنبش‌های اجتماعی در قالب مکتب انتقادی را می‌توان فقدان منابع اقتصادی ناشی از تخریب محیط‌زیست دانست. نظریه‌پردازان مکتب انتقادی تلاش دارند تا معناسازی جدیدی را برای موضوعات امنیتی ایجاد نمایند. آنان درصددند تا «تهدید مشترک جدید» را برجسته نموده و زمینه‌های همکاری متقابل را جهت نیل به ایجاد امنیت فراگیر با مفهوم جدیدش فراهم سازند.

پیشینه رژیم‌های بین‌المللی محیط‌زیست

برای جلوگیری از آلودگی و تخریب محیط‌زیست، قوانین و آئین‌نامه‌های بسیاری تدوین شده و در حال اجرا می‌باشد، لیکن اجرای قوانین و آئین‌نامه‌های مذکور، در بسیاری از موارد موکول به تعیین ضوابط و استانداردها است. منابع مختلف آلاینده‌های هوا، آب، خاک و صدا نیاز به استانداردهای مختص به خود دارد. مثلاً در قانون جلوگیری از آلودگی هوا، استاندارد خروجی از اگزوز وسایل نقلیه موتوری با استاندارد خروجی از دودکش کارخانجات به کلی متفاوت است و حتی در بین وسایل نقلیه موتوری نیز برحسب این که آیا در دست استفاده راننده است یا فقط از خط تولید کارخانه خارج شده است دارای استاندارد گوناگون می‌باشند. (محرم نژاد، ۱۳۷۸: ۲).

تأثیر خروج آمریکا از توافقنامه آب و هوایی پاریس بر رژیم بین‌المللی محیط‌زیست / زهره کیوری آبیاریان / رحمت حاجی‌مینه

از میان قطعنامه‌های شورای امنیت درخصوص رابطه حفاظت از محیط‌زیست و صلح و امنیت بین‌المللی سه قطعنامه حائز اهمیت هستند: نخست قطعنامه شماره ۵۴۰ مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ و دوم قطعنامه شماره ۶۸۷ مورخ ۳ آوریل ۱۹۹۱ و سوم قطعنامه شماره ۶۹۲ مورخ ۲۰ مه ۱۹۹۱. در قطعنامه نخست طی بند ۵ شورای امنیت در واکنش نسبت به حمله به نفت‌کش‌ها و کشتی‌ها در خلیج فارس از دو طرف می‌خواهد که از انجام هر اقدامی که صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین محیط‌زیست را در منطقه خلیج فارس در معرض مخاطره قرار دهد، خودداری کنند. در این قطعنامه شورای امنیت به مخاطره افتادن محیط‌زیست را در کنار به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی قرار داده است. در جنگ دوم خلیج فارس که آسیب‌های فاحشی به محیط‌زیست منطقه خلیج فارس بویژه آب‌های خلیج فارس وارد گردید، شورای امنیت طی قطعنامه ۶۸۷ عراق را مسئول کلیه تلفات و ضایعات و خسارات وارد به محیط‌زیست منطقه معرفی می‌کند و در قطعنامه شماره ۶۹۲ شورای امنیت بر تعهد عراق به جبران لطمات وارده به محیط‌زیست منطقه و تخریب برخی از منابع طبیعی آن در اثر تهاجم و حملات آن کشور تأکید ورزیده است (رئیس، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

شاخص‌ها و مدل‌های متعددی برای سنجش میزان بحران آب کشورها به کار گرفته می‌شود، که در میان آنها سه شاخص زیر از معتبرترین شاخص‌هایی هستند که همواره مورد استناد قرار می‌گیرند (احسانی، مهرزاد، خالدی و هومن، ۱۳۸۲: ۴) الف- شاخص فالکن مارک^۱؛ ب- شاخص سازمان ملل^۲ ج- شاخص موسسه بین‌المللی مدیریت آب^۳ (احسانی، خالدی، ۱۳۸۲: ۴)

بنابراین روند تاریخی شکل‌گیری کنوانسیون‌های محیط‌زیستی به ترتیب عبارت است از:

۱. کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن

لایه محافظ ازن که زمین را از پرتوهای زیان‌بار خورشید (پرتوهای فرابنفش) محافظت می‌کند،

1- Index of Falkan Mark.

2- Index of United Nation.

3- Index of IWMI(International Water).

بر اثر بعضی از فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی انسان آسیب دیده و در نتیجه محیط‌زیست و همه موجودات از انسان و جانوران گرفته تا گیاهان در معرض خطر این اشعه قرار می‌گیرند. از این رو، باتوجه به ضرورت پیش‌بینی راهکارهایی برای پیشگیری از تخریب لایه ازن، در سال ۱۹۸۵ به دعوت سازمان ملل متحد، نمایندگان ۲۱ کشور جهان و کشورهای عضو جامعه اروپا در وین، پایتخت اتریش گرد آمدند و مفاد معاهده‌ای را که کنوانسیون وین نامیده شد، تدوین کردند.

۲. پروتکل مونترال

این توافقنامه به‌عنوان یک معاهده مستقل ولی متمم و مکمل پیوست کنوانسیون وین در زمینه مواد مخرب لایه زمین است که در سال ۱۹۸۷ امضاء و دو سال بعد لازم‌الاجرا شد. پروتکل مونترال را می‌توان نمونه‌ای از موفق‌ترین همکاری‌های زیست‌محیطی بین‌المللی دانست.

۳. پیمان کیوتو

پیمان کیوتو پیمانی بین‌المللی به‌منظور کاهش صدور گازهای گلخانه‌ای است، که عامل اصلی گرم‌شدن زمین در دهه‌های اخیر محسوب می‌شوند. این پیمان که پیمان‌نامه ریو را تکمیل و ترمیم می‌کند در چارچوب سازمان ملل متحد شکل گرفت به دلیل کارشکنی کشورهایمانند آمریکا و استرالیا و همچنین تعلل سایر کشورهای صنعتی در پیوستن به آن، پروتکل کیوتو با شکست روبرو شد و به هدف تعیین‌شده خود در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای دست نیافت. (عبدالرحیم خباز، ۱۳۹۷: ۲).

۴. توافقنامه پاریس

براساس پیمان پاریس تمامی کشورها متعهد می‌شوند تا در مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی، انتشار گازهای گلخانه‌ای مانند دی‌اکسیدکربن حاصل از سوخت‌های فسیلی را کاهش دهند. دانشمندان معتقدند که این گازها باعث گرمایش زمین، بالا آمدن سطح دریاها، خشکسالی‌ها و توفان‌های شدید شده و پیمان پاریس اولین پیمان لازم‌الاجرا در زمینه آب و هوایی است.

۱- آمریکا و رژیم‌های بین‌المللی محیط‌زیست

رویکرد دولت‌های آمریکا درخصوص محیط‌زیست به‌طور موردی عبارت است از:

۱- برنامه پژوهشی تغییرات اقلیمی در جهان در سال ۱۹۸۹ و طی دوران مسئولیت جرج اچ. دبلیو. بوش، در قالب یک طرح ریاست جمهوری بنا نهاده شد. قانون پژوهش‌های تغییرات جهانی سال ۱۹۹۰ که به امضای جرج بوش پدر رسید، از شورا خواسته است حداقل هر چهار سال یک بار، برآوردی از یافته‌های تازه درمورد اثرات تغییرات جهانی و روندهای فعلی و بلندمدت این تغییرات را به کنگره و ریاست جمهوری ارائه کند. چهارمین نسخه از این ارزیابی براساس آخرین شواهد علمی ثابت کرده است که اقتصاد، بهداشت عمومی، امنیت اجتماعی، منابع آب و دیگر بخش‌های اجتماعی در معرض خطرات ناشی از تغییرات اقلیمی قرار گرفته‌اند. این گزارش چشم‌اندازی بی‌پرده باتوجه به وضعیت کنونی ارائه کرده است. تاکنون تغییرات اقلیمی اغلب به‌عنوان **احتمالاتی در آینده‌ای دور** درنظر گرفته می‌شد و قضیه تا آنجا پیش رفته بود که مخالفان، حتی دانشمندان این حوزه را با لقب «هشداردهندگان» به ریشخند می‌گرفتند. با این‌حال، تجربه نشان داده است دانشمندان معمولاً بسیار محافظه‌کار هستند. بسیاری از تغییرات هم‌اکنون نیز با سرعتی بیش از حدانتظار در حال وقوع هستند. رئیس‌جمهور جرج اچ. دبلیو. بوش همچنین **قانون هوای پاک** را در سال ۱۹۹۰ امضا کرد که آغازگر تغییراتی بنیادین محسوب می‌شد (خانجانی، ۱۳۹۷: ۳-۲).

۲- قانون اولیه‌ی هوای پاک (متعلق به سال ۱۹۷۰) که توسط دیگر رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه، ریچارد نیکسون به امضا رسید، احتمالاً در زمان خود، کامل‌ترین قانون فدرال برای مقابله با آلودگی هوا بود. این قانون استانداردهای ملی کیفیت هوای محیطی (NAAQS) را تدوین کرده است که آژانس حفاظت از محیط‌زیست از آن برای کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای در هوا استفاده می‌کند.

۳- دوران هشت ساله حکومت جرج بوش پسر بر ایالات متحده با فراز و نشیب‌های فراوانی

در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی همراه بود؛ اما به جرات می‌توان گفت امتناع رییس جمهور ایالات متحده از امضای پروتکل کیوتو و کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای، بدترین عملکرد وی در عرصه انرژی و زیست‌محیطی این کشور است و این، درحالی است که ایالات متحده به تنهایی بزرگ‌ترین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای در جهان است.

۴- با این حال دولت اوباما تغییرات گسترده‌ای را در سیاست‌های انرژی و زیست محیطی آغاز کرده است. کارشناسان بارها اعلام کرده‌اند یافتن راه‌حلی مناسب برای مشکلات آب‌وهوایی در دنیای مملو از سوخت‌های فسیلی، نیازمند حضور دانشمندانی است که انرژی‌های تجدیدپذیر و سازگار با محیط‌زیست را توسعه دهند. انتخاب پروفیسور استیو چو، فیزیکدان برجسته و برنده جایزه نوبل فیزیک به عنوان سرپرست وزارت انرژی، اولین نشانه این تغییرات وسیع است. دیگر سازمان‌های انرژی و محیط‌زیست ایالات متحده نیز به افرادی سپرده شده که همانند پروفیسور چو، نگران تغییرات آب‌وهوایی و طرفدار سیاست‌های کاهش گازهای گلخانه‌ای هستند. کارول براونر، مدیر سابق آژانس حفاظت محیط‌زیست در دهه ۱۹۹۰ به سمت هماهنگ‌کننده سیاست‌های انرژی و آب‌وهوایی منصوب شده است. ریاست سازمان حفاظت از محیط‌زیست به لیزا جکسون سپرده شده که پیش از این مسئولیت سازمان حفاظت از محیط‌زیست نیوجرسی را بر عهده داشت.

در کنار این تغییرات، انتخاب جان هولدرن، استاد فیزیک دانشگاه هاروارد به سمت مشاور علمی و مدیر دفتر سیاست‌های علمی و فناوری کاخ سفید نیز گروه دانشمندان برجسته دولت جدید را تکمیل می‌کند. هولدرن، مدیر برنامه سیاست‌های عمومی، علمی و فناوری دانشگاه هاروارد (برترین دانشگاه جهان) و چهره‌ای سرشناس در سیاست‌گذاری انرژی و زیست‌محیطی است. او همچنین کارشناس مهارت‌تسلیمات هسته‌ای است و در شورای مشاور علمی و فناوری کاخ سفید دولت بیل کلینتون عضویت داشت. البته شایعاتی نیز در دانشگاه هاروارد پخش شده است که هولدرن نه به مشاور علمی، که به دستیار رییس جمهور در امور علمی و فناوری منصوب

شده است. این سمت که رابطه نزدیک‌تری با رییس‌جمهوری دارد، به ندرت به موضوعات علمی و فناوری تعلق می‌گیرد! (دانشی، ۱۳۸۷).

۲- به قدرت رسیدن ترامپ و دکتترین خروج

ترامپ در هشتم نوامبر ۲۰۱۶ با کسب ۳۰۶ رأی الکترال در برابر ۲۳۲ رأی کلینتون پیروز شد. ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ طبق برنامه درظهر ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ به وقت منطقه زمانی شرقی شروع شد، و بر اساس آن دونالد ترامپ پس از ادای سوگند، رسماً به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا جانشین باراک اوباما شد. پیروزی ترامپ نخستین باری از بازه سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۷ شد که جمهوریخواهان کاخ سفید و هر دو مجلس سنا و کنگره را در کنترل خود داشتند. ترامپ مسن‌ترین فرد و با احتساب تورم، ثروتمندترین کسی بود که به ریاست‌جمهوری آمریکا برگزیده شد. (Emmie, 2017).

مهمترین تغییرات و خطوط نوین سیاست خارجی آمریکا که در دوران جدید بتوان مورد بررسی قرار داد عبارتند از: تغییراتی در نوع رابطه با متحدان اروپایی، تغییر جایگاه اعراب متحد آمریکا و رژیم صهیونیستی در معادلات سیاست خارجی، تغییر در منطق محاسبات راهبردی و همچنین رادیکال شدن سیاست خارجی این کشور که هرکدام در پی علل و عوامل ویژه‌ای ظاهر شده و آثار و پیامدهای خاص خود را به دنبال خواهند داشت (افضلی، ۱۳۹۷).

«دونالد ترامپ» از آغاز ریاست‌جمهوری‌اش تاکنون، هیچ توافق بین‌المللی را امضاء نکرد و فقط یک توافق تسلیحاتی چند میلیارد دلاری با عربستان را امضاء کرده است که آن هم توافق بین‌المللی چندجانبه محسوب نمی‌شود. رئیس‌جمهوری آمریکا در عوض نقش شکننده توافقات بین‌المللی را ایفاء کرده و به‌طور مکرر از توافقات مهم بین‌المللی خارج شده است. مبنای سیاست خارجی ترامپ، دکتترین خروج است.

نکته مشخص در این‌جا تغییر رویکرد کلان سیاست خارجی آمریکا از بین‌المللی‌گرایی لیبرال

در دوره اوباما به وجود واقع گرایی به انضمام ملی گرایی افراطی با تأکید بر انزواگرایی برتری طلب و یکجانبه گرایی در دوره کنونی است. باراک اوباما از نهادهای بین المللی به ویژه نهادهای تابع سازمان ملل متحد در جهت ایجاد اجماع در راستای تأمین منافع خارجی آمریکا استفاده می کرد، اما اکنون ترامپ معتقد است سازمان های بین المللی تا جایی مطلوب تلقی می شوند، که تنها در خدمت منافع آمریکا قرار گیرند؛ در غیر این صورت عضویت در آن ها نه تنها غیر ضروری بلکه نوعی محدودیت برای ابزارهای قدرت ایالات متحده نیز به حساب می آید. این رویکرد ترامپ دارای سه معنای به هم پیوسته و البته واقع گرایانه است: در درجه اول از نظر وی در جهانی که بسیاری از واحدهای آن از جمله دولت آمریکا نمی توانند حتی در کوچک ترین مسائل در بین خود به تفاهم دست یابند و اصولاً بسیاری از دولت ها فهم مشترک و مفهوم منافع جمعی در قالب سازمان های بین المللی را قبول ندارند، تنها راهی که باقی می ماند، تکیه بر منافع فردی صرف است. در درجه دوم ترامپ، آمریکا را ابر قدرتی می داند که قادر است با تکیه بر ابزارهای قدرت خویش از قبیل: ابزارهای نظامی، اقتصادی و... ترتیبات بین المللی را نادیده گرفته و رأساً به امور مختلف بپردازد. به عبارتی، قدرت آمریکا باعث می شود تا بتواند به اهداف خود دست یابد و فارغ از قید و بند نهادهای جهانی سلطه خود را برای مدت طولانی تری حفظ کند. در درجه سوم این رویکرد ترامپ مصداق تأکید بر اصل خودیاری از سوی دولت ها در نظام بین الملل آنارشیک کنونی است. از نظر ترامپ از آن جا که نهادهای بین المللی نظیر یونسکو محدودیت های مختلفی را بر آمریکا اعمال می کنند، بنابراین خروج از آن ها یکی از وجوه بقای آمریکا به عنوان ابر قدرت است و لازمه آن نیز خودیاری است. از آن جا که آمریکا به عنوان یکی از واحدهای نظام بین الملل از میزان قدرت رقبا بی اطلاع است و طی چند سال اخیر به شدت درگیر موازنه با رقبا در موضوعات مختلف شده است، تأکید بر توانایی های خویش به جای تکیه بر سازمان های بین المللی بهترین گزینه به نظر می رسد. این مسئله همچنین به این کشور اجازه می دهد در هر زمان و در هر نقطه که منافعش اقتضاء کند وارد عمل شود و برعکس در جایی که منفعتی برایش متصور نیست از دخالت بپرهیزد.

با این توصیف رویکرد ترامپ درباره خروج از پیمان‌های بین‌المللی اکنون وارد مرحله جدید و بسیار خطرناکی شد. دولت ترامپ اکنون پیمان‌های کاهش و امحای تسلیحات هسته‌ای را هدف گرفت و تلاش خود را معطوف به خروج از این پیمان‌ها کرد. با این حال ترامپ فقط به این مسأله بسنده نکرده و با اعلام خروج آمریکا از «معاهده تجارت تسلیحات» قصد کرد تا هرگونه نظارت بر آمریکا در زمینه صادرات تسلیحات متعارف را نیز از میان بردارد. بدین ترتیب اکنون جهان با چالش بزرگی یعنی تبعات خروج آمریکا از پیمان‌های کنترل تسلیحات مواجه شده است. مسلماً این اقدام رئیس‌جمهور جنجالی آمریکا به ضرر صلح و امنیت بین‌المللی و زمینه‌ساز افزایش درگیری‌های مسلحانه در نقاط مختلف جهان با توجه به لغو محدودیتها درباره صادرات تسلیحات متعارف توسط آمریکا خواهد شد (میرطاهر، ۱۳۹۸: ۳).

از بین بردن معاهدات و توافقنامه‌ها از سوی ترامپ در قالب یک دکترین نئوکانی صورت می‌گیرد. ترامپ از زمان رسیدن به ریاست جمهوری ایالات متحده را از توافق تغییرات اقلیمی پاریس، توافقنامه جاری مشارکت بین اقیانوس آرام (تیبیپی) و توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) بیرون کشید. در دسامبر ۲۰۱۷ آمریکا خروج خود را از موافقتنامه جهانی در امور مهاجران که در سال ۲۰۱۶ از سوی تمام ۱۹۳ عضو سازمان ملل امضاء شده بود اعلام نمود. دولت ترامپ همچنین آمریکا را از شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز خارج کرد. او با هشدارهای شدید سازمان آب و هوایی جهانی درباره تغییرات اقلیمی در سراسر جهان، هشدارهایی که همگی مبتنی بر واقعیات هستند، مخالف است (مدسن، ۱۳۹۸: ۵).

ترامپ گرمایش جهانی را «یک حقه کامل» خواند. او همچنین گفت که «مفهوم گرمایش جهانی از سوی چین و برای غیررقابتی کردن تولید در آمریکا ایجاد شده است» گرچه او بعدتر توضیح داد این یک جوک بوده است. او گفته بود که آژانس حفاظت محیط‌زیست ایالات متحده آمریکا مانعی بر سر رشد و اشتغال است (campbell, 2016). ترامپ موافق افزایش شکست هیدرولیکی است و از انرژی جایگزین باد انتقاد کرده، گفته «آسیاب‌های بادی هر کشوری را که به آن می‌رسند دارند

نابود می‌کنند» و انرژی «غیرقابل اطمینان و افتضاح» تولید می‌کنند (Koronowski, 2015). دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا خروج ایالات متحده از پیمان اقلیمی پاریس را اعلام کرد. او در مبارزات انتخاباتی‌اش این وعده را داده و گفته بود که معاهده پاریس به نفع آمریکا نیست. هم‌زمان ترامپ اعلام کرده که در پی ایجاد یک قرارداد اقلیمی جدید است که منافع آمریکا در آن تأمین شود و سایر کشورها نیز از آن سود ببرند. خروج آمریکا از معاهده پاریس عملاً زودتر از سال ۲۰۲۰ اتفاق نخواهد افتاد. حال ایالات متحده در کنار سوریه و نیکاراگوئه تنها کشورهای جهان هستند که به پیمان اقلیمی پاریس متعهد نیستند (احمدی، ۱۳۹۸: ۱).

ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی و یکی از برجسته‌ترین مشاوران و متفکران حوزه سیاست خارجی آمریکا، در صفحه توئیتر خود می‌نویسد: سیاست خارجی ترامپ مضمون خود را پیدا کرده است و آن دکترین خروج است. آمریکا قراردادهای مهم بین‌المللی را ترک یا تهدید کرده است که از آنها خارج می‌شود از جمله توافقنامه تغییرات اقلیمی پاریس، یونسکو، برجام هستند (Hass, 2017).

۳- پیامدهای خروج آمریکا از توافقنامه پاریس

موافقتنامه پاریس در سال ۲۰۱۵ به‌عنوان یک سند راهبردی برای جهت‌دهی به سیاست‌گذاری محیط‌زیست در دنیا به تصویب رسید این موافقتنامه با هدف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تدوین شد. ایالات متحده آمریکا یکی از این کشورهایی بود که این توافقنامه رو تنفیذ کرده بود ولی بعد از آغاز ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در نامه‌ای تصمیم به خروج این کشور از توافق اقلیمی پاریس را به سازمان ملل متحد اعلام کرد (قاسمی تمر، ۱۳۹۸: ۱). در این بخش مقاله، تلاش داریم نتایج خروج آمریکا از این موافقتنامه را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

طبق توافق پاریس، آمریکا متعهد شده بود تا سال ۲۰۲۵، انتشار گازهای گلخانه‌ای را از ۲۶

تا ۲۸ درصد نسبت به سطح سال ۲۰۰۵ کاهش دهد و سه میلیارد دلار هم به عنوان کمک به کشورهای ضعیف در مسیر مقابله با تغییرات آب و هوایی اختصاص دهد. با این وجود ترامپ در سخنرانی اعلام خروج از توافق پاریس بر وجه «بازگشت مشروط» هم تأکید کرد. به اعتقاد ترامپ، باقی ماندن در توافق پاریس تا سال ۲۰۲۵، ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار شغل را در داخل آمریکا نابود می‌کند که البته این ادعای ترامپ مورد نقد بخش عمده‌ای از کارشناسان اقتصادی قرار گرفته است. بسیاری از کارشناسان معتقدند که یکی از مهمترین اهداف رئیس‌جمهور آمریکا «اوبامادایی» است و او با توجه به این که می‌داند به غیر از هوادارانش هیچ کس حاضر به حمایت از او نیست، تلاش دارد با تحقق وعده‌هایی که به هواداران خود داد، پیروزی خود در دور دوم انتخابات را تضمین نماید. لیکن این نوع اقدامات که مغایر با خواست جامعه جهانی است و رابطه مستقیمی بر سلامت و زندگی میلیاردها انسان ساکن کره زمین دارد، به شدت در تخریب چهره آمریکایی که سالهاست مدعی حقوق بشر است تأثیر منفی دارد (مدبر، ۱۳۹۶: ۴). به طور کلی پیامدهای خروج آمریکا از رژیم بین‌المللی محیط زیست است.

۴- شکست معاهده پاریس

ایالات متحده بنا به تعهدات، باید تا سال ۲۰۲۵، تولید دی‌اکسیدکربن خود را ۲۶ تا ۲۸ درصد کاهش دهد. انتظار می‌رود با عقب نشینی آمریکا از این معاهده سالانه سه میلیارد تن دی‌اکسیدکربن وارد جو شود و با این رقم تا پایان قرن، به دمای زمین ۱/۰ تا ۳/۰ درجه سانتیگراد افزوده خواهد شد. هرچند چین در نخستین واکنش گفت که باوجود خروج ایالات متحده از این معاهده، در کنار اتحادیه اروپا، هند و کانادا به تعهدات خود پایبند خواهد ماند اما این کشور که به سختی و با فشارهای ایالات متحده، اروپا و نهادهای مدنی وارد معاهدات تغییرات جوی شده بود، در صورتی که بخواهد اکنون بهانه لازم را برای خروج از این معاهده پیدا کرده است و اگر چنین اتفاقی رخ دهد، یکی از رژیم‌های بین‌المللی جدید که از دهه ۱۹۹۰ تلاش داشت نظم جهانی را

براساس کنترل پیامدهای سرمایه‌داری نئولیبرال تنظیم کند، با خروج دو کشور اول تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای، شکست خواهد خورد.

مهم‌ترین دلیلی که پکن را به ماندن در معاهده پاریس با وجود خروج ایالات متحده از آن تشویق می‌کند، دست به‌گریبان شدن چین با پیامدهای محیط‌زیستی ناخوشایند ناشی از توسعه اقتصادی ناپایدار خود و هزینه‌های ناشی از آن برای اقتصاد ملی چین و علم این کشور به مزایای ناشی از این محدودیت‌ها و چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی جدیدی است که انرژی‌های تجدیدپذیر پیش‌روی کشورهای در حال توسعه می‌گشایند. پکن پیش‌تر اعلام کرده بود که تا سال ۲۰۲۰، حدود ۳۶۰ میلیارد دلار در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری خواهد کرد. این مقدار سرمایه‌گذاری می‌تواند ۱۳ میلیون شغل جدید ایجاد کند. چین ممکن است ملاحظات دیگری مانند تقویت قدرت نرم خود را نیز مد نظر داشته باشد. مؤسسه پورتلند در دو سال گذشته سنج‌های از قدرت نرم کشورها تدوین و براساس آن رده‌بندی قدرت نرم را منتشر کرده است. هر دو بررسی نشان می‌دهد که چین در سال ۲۰۱۵ در رتبه ۳۰ و در سال ۲۰۱۶ در رتبه ۲۸ قرار داشته و این برای کشوری که دومین قدرت اقتصادی جهان است، رضایت‌بخش نیست. قدرت نرم منشأ جذابیت و تأثیرگذاری بر افکار عمومی است و چین می‌تواند از مسیر پابندی به تعهدات محیط‌زیستی، در کنار کسب سود اقتصادی، قدرت نرم خود را نیز افزایش دهد (اقتصادآنلاین، ۱۳۹۶).

۵- تشدید اختلافات آمریکا و اروپا

یکی دیگر از تبعات اقدام دولت آمریکا برای کناره‌گیری از معاهده پاریس، تشدید اختلافات میان آمریکا با متحدان دیرینه خود در اتحادیه اروپا خواهد بود. با روی کار آمدن دونالد ترامپ بروز اختلاف و شکاف میان سیاست‌های کشورهای اتحادیه و کاخ سفید روندی افزایشی را پیموده است. مواضع ترامپ در انتقاد از عملکرد ناتو و لزوم افزایش سهم‌پذیری کشورهای اروپایی از بودجه نظامی این سازمان، اعلام مواضع حمایت‌گرانه از اقدامات روسیه در اوکراین، حمایت ترامپ

از جریانات راست‌گرا در انتخابات داخلی کشورهای اتحادیه همچون حمایت از برگزیت در بریتانیا، تصمیم جنجالی برای اعمال محدودیت بر ورود شهروندان مسلمان برخی کشورهای اسلامی از جمله مهمترین دلایل تشدید اختلافات اروپا و آمریکا بوده است.

لذا پس از اتخاذ تصمیم خروج از پیمان پاریس شاهد آن هستیم که ژان کلود یونکر، رئیس اتحادیه اروپا از این تصمیم ترامپ در ترک پیمان آب و هوایی پاریس انتقاد و آن را «تصمیمی خطر» توصیف کرد. همچنین میگوئل اریاس کانیتی، کمیسر عالی اتحادیه اروپا در امور آب و هوا در واکنش به خروج یک‌جانبه آمریکا از پیمان پاریس ضمن ابراز تاسف و «غیرمسئولانه» خواندن این اقدام گفت «آمریکا نباید بر تلاش‌های ما برای مبارزه با گرمایش زمین تاثیر بگذارد و جهان در مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی می‌تواند روی اروپا حساب کند». طبیعتاً با افزایش مواضع مخالف‌آمیز در مقامات اتحادیه اروپا، می‌توان از وقفه در تلاش‌های مقامات اروپایی برای کاهش اختلافات با دولت جدید آمریکا و شکاف فزاینده میان کاخ سفید و دولت‌های اروپایی در آینده خبر داد. مساله خروج آمریکا از معاهده زیست‌محیطی پاریس می‌تواند آغازی برای جدایی مسیر اروپا و آمریکا از یکدیگر باشد. متعاقب این واقعه، می‌توان انتظار داشت در آینده قدرت‌های اروپایی موضعی مخالف و گاه متضاد را در برابر مواضع آمریکا اتخاذ کنند (الوقت، ۱۳۹۶).

با اعلام کنار گذاشتن توافقنامه پاریس از سوی ایالات متحده آمریکا، موضع‌گیری‌های مختلف از ناحیه فرانسه، آلمان و سازمان اتحادیه اروپا صورت گرفت. آنها معتقدند که باید توافقنامه پاریس ادامه یافته و به آن پایبند بود (نیلوفری، ۱۳۹۷: ۱). اقدام ترامپ در آن روز، موجی از نارضایتی را از جانب سران اتحادیه اروپا روانه آمریکا کرد به‌طوری که پس از آن نشست، رهبران اروپایی با اتخاذ مواضع آشکار، خواستار تکیه بر توانمندی‌های خود بجای اتکا به واشنگتن شدند.

۶- تشدید روند تغییرات اقلیمی

یکی دیگر از پیامدهای خروج آمریکا از پیمان‌نامه پاریس، تشدید روند تغییرات مخرب زیست

محیطی خواهد بود. ترامپ با طرح شعار «منافع رهبران و کشورهای دیگر را برتر از منافع آمریکا قرار نمی‌دهیم» دلیل خروج آمریکا از معاهده پاریس را بار زیاد آن بر دوش اقتصاد و نهادهای مالی آمریکا و تأکید مجدد بر حق حاکمیت آمریکا» دانسته بود. در این صورت می‌توان این‌گونه برداشت کرد که حفظ منافع اقتصادی آمریکا در بازار رقابت بین‌المللی تجارت اصلی‌ترین دلیل خروج واشنگتن از معاهده پاریس می‌باشد. بر این اساس این امکان که سایر کشورهای صنعتی همچون چین، هند، برزیل و... در آینده برای جا نماندن از غافله حفظ منافع اقتصادی، تصمیم به خروج از معاهده پاریس و امتناع از تعهدات کاهش آلایندگی بگیرند بسیار محتمل می‌باشد. که این امر می‌تواند روند تغییرات آب‌وهوایی را تسریع بخشد (الوقت، ۱۳۹۶). پیامدهای ناگوار عدم همکاری جهانی در حوزه محیط‌زیست، مانند گرم شدن کره زمین، سوراخ شدن لایه اوزون، آب شدن یخچال‌های قطبی و غیره، جدا از وقوع بلایای گوناگون، سلامت بشر را نیز به خطر خواهد انداخت و دامن خود آمریکا و شهروندان این کشور را نیز خواهد گرفت.

۷- تأثیر منفی بر بازار انرژی

به نظر رئیس‌جمهور وقت دولت آمریکا تهدیدات آب و هوایی و روند فزاینده بلایای طبیعی ناشی از گرم شدن کره زمین تهدید واقعی نیست و نباید در برابر آن عکس‌العمل‌های آنی داشت. به‌نظر ترامپ، پرداخت برای انرژی سبز پرداخت بیهوده‌ای است و او قصد دارد به پرداخت این هزینه پایان دهد. آمریکا پیش‌تر متعهد شده بود که برای سرمایه‌گذاری در انرژی پاک سالانه یک میلیارد دلار بپردازد. در مجموع دولت جدید آمریکا بر گسترش تولید سوخت‌های فسیلی در آمریکا پافشاری دارد و کاهش هزینه انرژی در سبد مصرف‌کنندگان آمریکایی و دستیابی به استقلال در انرژی از اهداف اولیه برنامه انرژی در آمریکا در این دولت تعریف شده است (کلبری، ۱۳۹۶). اما واقعیت امر این است که خروج از پیمان زیست محیطی پاریس موجب افزایش فعالیت‌های حفاری نفتی در آمریکا شده است، به‌طوری‌که پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است

تأثیر خروج آمریکا از توافقنامه آب و هوایی پاریس بر رژیم بین‌المللی محیط‌زیست / زهره کیری آبیان / رحمت حاجی‌مینه

که مجموع دکل‌های حفاری نفت و گاز آمریکا به ۸۸۳ حلقه در سال ۲۰۱۷، ۱۱۰۱ حلقه در سال ۲۰۱۸ و ۱۲۱۲ حلقه در سال ۲۰۱۹ خواهد رسید. این درحالی است که متوسط دکل‌های حفاری از ابتدای سال ۲۰۱۷ تاکنون ۸۱۹ دکل، ۵۰۹ دکل در سال ۲۰۱۶ و ۹۷۸ دکل در سال ۲۰۱۵ بوده است. این سناریوی افزایش دکل‌های نفتی به سود قیمت نفت نخواهد بود. گمانه‌زنی‌ها بر این است که خروج آمریکا از توافق زیست محیطی پاریس و نیز سیاست‌های ناسیونالیستی در حوزه انرژی از سوی دولتمردان آن نقش این کشور را در بخش عرضه نفت افزایش داده و کشورهای عضو اوپک را در عرصه تولید و عرضه نفت در تنگنا قرار دهد.

گاز طبیعی که با هزینه کم از ذخایر آمریکای شمالی به دست می‌آید، جایگزین برای زغال‌سنگ در نیروگاه‌های آمریکا شده است. فعالیت و استخدام در صنایع مربوط به سوخت‌های فسیلی، بیشتر تحت تأثیر شرایط بازار این سوخت‌ها می‌باشد و کمتر به سیاست‌هایی نظیر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بستگی دارد. یکی از دلایل ترامپ برای خروج از پیمان‌نامه زیست محیطی پاریس، جبران کاهش اشتغال به‌وجود آمده در نتیجه کاهش تولید در بخش زغال‌سنگ می‌باشد. ولی دلیل عمده کاهش اشتغال در این بخش، جایگزینی گاز طبیعی با زغال‌سنگ، در بخش نیروگاهی بوده است. بررسی عوامل اثرگذار بر کاهش میزان تولید زغال‌سنگ در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که کاهش قیمت گاز طبیعی در سال‌های اخیر بیشترین تأثیر را بر کاهش تولید زغال‌سنگ داشته و عوامل دیگر نظیر کاهش تقاضا، افزایش سرمایه‌گذاری در انرژی‌ها تجدیدپذیر و قوانین دولت اوباما اثرات کمتری در این میان داشته‌اند.

گزارش‌های منتشره از مؤسسات مالی معتبر حاکی از آن است که به جز آمریکا، ۱۹۴ کشور دیگر که متعهد به پیمان اقلیمی پاریس شده‌اند، به طور تجمعی ۷/۴ تریلیون دلار تا سال ۲۰۴۰ در منابع تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری خواهند کرد. اگرچه عدم امضای تعهد اقلیمی پاریس توسط آمریکا این شبهه را به وجود خواهد آورد که سرمایه‌گذاری در انرژی تجدیدپذیر در آینده دچار چالش خواهد شد، اما کشورهایی که منابع سوخت فسیلی را در اختیار ندارند ناگزیر به

سرمایه‌گذاری در انرژی‌های نو هستند و آمریکا نیز برای حفظ قدرت رقابت‌پذیری خود در زمینه تکنولوژی، لازم است سرمایه‌گذاری مورد نیاز را انجام دهد (کلبری، ۱۳۹۶).

عدم پایبندی دولت آمریکا به محدودیت‌های ناشی از توافقنامه پاریس، تولید و مصرف زغال‌سنگ، به‌ویژه در بخش نیروگاهی را در این کشور افزایش خواهد داد و به این ترتیب مصرف گاز را در داخل آمریکا کاهش خواهد داد. با توجه به ذخایر گازی قابل ملاحظه آمریکا در حال حاضر و نیز با کاهش مصرف گاز در داخل آمریکا و در نتیجه ادامه روند فعلی ذخیره‌سازی گاز، پیش‌بینی می‌شود که با افزایش صادرات گاز آمریکا، مازاد عرضه به‌جود آید و قیمت‌ها بیشتر کاهش یابند.

۸- پیامدهای ژئوپلیتیکی

تصمیم اخیر ترامپ دو پیامد ژئوپلیتیکی مهم را در پی دارد: اول آسیب‌زدن به روند همکاری چین و آمریکا در راستای ایجاد نظم جهانی جدید و توافق‌شده میان دو کشور و دوم، تشدید رقابت‌ها با روسیه در قطب شمال که احتمالا با پایبندی همه طرف‌ها به معاهده پاریس می‌توانست راحت‌تر کنترل شود. بی‌توجهی به تغییرات جوی و ذوب‌شدن یخچال‌های طبیعی - بعد از تضعیف تعهدات معاهده پاریس - فرصتی را برای کشمکش این دو بر سر منابع انرژی در فلات قاره و اعماق اقیانوس‌هایی که دیگر منجمد نیستند، فراهم می‌کند. روسیه اگر به این نتیجه برسد که روند تخریب اکوسیستم قطب شمال ادامه خواهد داشت با سرسختی بیشتری به دنبال تملک منابع و حوزه نفوذ در آنجا خواهد بود و این ممکن است به اختلافات بیشتر بین روسیه و آمریکا منجر شود (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۶).

چین ممکن است که پشت‌پازدن ایالات متحده به معاهده پاریس را نمونه‌ای از اعتمادناپذیری واشنگتن در مناسبات دوجانبه با پکن در زمینه ایجاد مقررات و محدودیت‌های متقابل در راستای ایجاد نظم نوین جهانی قلمداد کند و اگر عاقل‌تر باشد از این فرصت برای پیش‌بردن

تأثیر خروج آمریکا از توافقنامه آب و هوایی پاریس بر رژیم بین‌المللی محیط‌زیست / زهره کیری آبیاریان / رحمت حاجی‌مینه

وجهه مسئولیت‌پذیری خود در مقایسه با ایالات متحده و ارتقای قدرت نرم خود بهره ببرد. عقب‌نشینی آمریکا از منظر اتحادیه اروپا که بدون تردید در مباحثات محیط‌زیستی و مبارزه با صنایع آلوده‌کننده سرآمد است، دال دیگری بر تضعیف اتکاپذیری ایالات متحده در اداره امور بین‌المللی است. آمریکا با این تصمیم، برای حکمرانی جهانی، نالایق‌تر و غیرقابل اعتمادتر از هر زمان دیگری ارزیابی خواهد شد.

شاید به‌نظر برسد که ایران در کوتاه‌مدت از این مسئله متأثر نشود، اما در بلندمدت ادامه روند گرمایش زمین و بی‌توجهی به رژیم‌های مربوط به تغییرات جوی، خطری برای امنیت ما نیز محسوب می‌شود. ایران که بخش عمده سرزمین آن در کمربند نیمه‌خشک زمین واقع شده، هم‌اکنون و بر اثر حکمرانی محیط‌زیستی به غایت ناکارآمد، در یکی از بدترین وضعیت‌ها از نظر مدیریت منابع آب و خاک در جهان قرار دارد و در آینده افزایش میانگین دمای زمین به اندازه ۱/۵ تا ۲ درجه، اثر بسیار شدیدتری بر منابع آبی ایران باقی خواهد گذارد. کشورهای حاشیه اقیانوس هند به‌ویژه کشورهایی که بخش عمده‌ای از زمین‌های کشاورزی و تراکم جمعیت آنها در کرانه‌های اقیانوس جای گرفته، در معرض تهدیدات ناشی از تغییرات آب‌وهوایی قرار دارند. ادامه تغییرات اقلیمی که اکوسیستم‌های مناطق را برهم می‌ریزد در یکی از پیامدهایش جنگ بر سر منابع آب شیرین را در مناطقی که با گرمایش زمین و ادامه شیوه‌های نادرست کشاورزی و برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی به آخرین مرحله از بحران آب رسیده‌اند، اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

۹- پیامد خروج بر رژیم بین‌المللی محیط‌زیست

اقدام ترامپ مبنی بر خروج از پیمان پاریس بدون شک پیامدهای ناگواری هم برای آمریکا و هم برای جهان خواهد داشت. این اقدام ترامپ در واقع عدم پایبندی آمریکا به توافقات بین‌المللی را نشان می‌دهد که می‌تواند به پرستیژ و موقعیت جهانی ایالات متحده آسیب جدی بزند. این ۱۵۵

اقدام همچنین به کاهش اعتبار و اتکای سایر شرکای غربی وبویژه اروپایی‌ها به واشنگتن منجر خواهد شد. همچنین دیگر کشورها با خروج واشنگتن از توافق پاریس در مورد همکاری با کاخ سفید بر سر دیگر مسائل تردید نشان خواهند داد. همچنین خروج از این توافق منجر به تحریک سایر اعضای توافق می‌شود و اثرات بسیار زیانباری را برای محیط‌زیست در پی دارد. این توافقنامه در زمینه تغییرات اقلیمی و گرم شدن زمین و پیامدهای آن نظیر تخریب زیست محیطی، افزایش گاز کربنیک و بیابان‌زایی و راهکارها مطرح است و از این‌رو خروج آمریکا از این توافقنامه یک افتضاح زیست‌محیطی محسوب می‌شود.

سخنرانی اعلام کناره‌گیری آمریکا از سوی ترامپ سرشار از شعار «همه چیز فدای آمریکا» بود. البته آمریکای مورد نظر ترامپ فقط بنگاه‌های بزرگ تجاری و کارخانجات غول‌پیکر آلوده‌کننده محیط زیست است چرا که در همین آمریکا هزاران موسسه و بنیاد بشر دوست به شدت با سیاست‌های زیست‌محیطی ترامپ مخالفت نموده‌اند و در ایام انتخابات نیز به افشاگری علیه نقش شرکت‌های ترامپ در تخریب محیط‌زیست نمودند. جالب توجه است خانواده ترامپ علاوه بر تخریب محیط‌زیست در شکار بی رویه حیوانات هم در آمریکا مورد انتقاد هستند و در ایام تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری از هیلاری کلینتون خواسته بودند جلوی شکارهای بی‌رویه گوزن توسط ترامپ و دامادش گرفته شود. وقتی سخنرانی اعلام انصراف ترامپ از توافقنامه پاریس را مطالعه می‌کنیم به این موارد برخورد خواهیم کرد: «چرا باید مردم خود را نادیده بگیریم و به خاطر یک توافق بین‌المللی به اقتصاد خود ظلم کنیم. تا به کی دیگران باید به ما بخندند؟». این درحالی توسط ترامپ برای تحریک روحیه وطن‌دوستی و عوام‌فریبی آمریکاییان طرح شده که حتی مقامات ارشد غول‌های صنعتی و تجاری چون «الون ماسک» از «تسلا»، «جفری ایملت» از «جنرال الکتریک»، و «لیولد سی بلانکفین» از «گلدمن ساکس» معتقدند که ترامپ تصمیم اشتباهی در مورد اقتصاد آمریکا اتخاذ کرد چرا که به شغل‌های آینده در زمینه صنعت و انرژی پاک که می‌توانست قابل صادرات هم باشد و سالانه میلیاردها دلار سود برای آمریکا بوجود آورند

ضربه بزرگی زد (مدبر، ۱۳۹۶: ۶-۷).

با این‌که ترامپ قول داده که در صورت تغییر شرایط توافق، حاضر است که به اجماع جهانی بازگردد اما انکار کامل گرمایش زمین به‌عنوان یک حقیقت کاملاً بیانگر دیدگاه او در مورد تغییرات موردنظرش در توافق است. تغییراتی که باید کاملاً به نفع آمریکا و به ضرر دشمنان و مخالفانش باشد. بنا به نظر اغلب تحلیلگران بازنده بزرگ خروج از توافق پاریس آمریکاست. اکنون بهترین فرصت برای چین به‌دست آمده تا سکان رهبری این جیش جهانی را به‌دست بگیرد. اکنون اشارات سازمان بهداشت جهانی و اعضای توافق پاریس نشان می‌دهد که چین نزدیکترین گزینه به رهبری این توافق است. امری که کاریزما و نفوذ جهانی این کشور را افزایش خواهد داد. خروج آمریکا از توافق پاریس نشان‌دهنده نادیده گرفتن شواهد علمی قریب‌الوقوع گرمایش جهانی و نظر بسیاری از محققان جهان است. این تصمیم در واقع رفتاری غیرمسئولانه با محیط‌زیست و بهداشت سراسر جهان محسوب می‌شود. این اقدام می‌تواند علاوه بر آسیب‌پذیر کردن سیاست‌های آمریکا، محیط‌زیست این کشور و در مرحله بعد سایر کشورهای جهان را تهدید کند. کشوری که تصمیم‌گیری‌های غیرمسئولانه و خودخواهانه اتخاذ می‌کند، بزودی با دیگر کشورهای جهان دچار مشکلات جدی می‌شود. آینده بشر و حیات بسیاری از موجودات زنده به نحوه مواجهه با تغییرات آب‌وهوایی و اسیدی شدن آب اقیانوس‌ها بستگی دارد (شعرباف، ۱۳۹۶).

یکی از مشکلات زیست محیطی که اخیراً رخ داده است آتش‌سوزی گسترده و بی‌سابقه در جنگل‌های استرالیا بود. در حالی که دانشمندان اقلیم‌شناس پیشتر و بارها نسبت به رابطه مستقیم تشدید آتش‌سوزی‌ها با تغییرات اقلیمی حاصل از گرمایش زمین در این منطقه هشدار دادند، اما دولت راست‌گرای استرالیا آن را نمی‌پذیرد. انکار تغییرات اقلیمی برای دولتمردان استرالیا تا اندازه‌ای جدی است که مقامات رسمی این کشور آتش‌سوزی را به اقدام جوامع محلی در به آتش کشیدن زمین‌ها گره زده و تاکنون تعدادی را در این خصوص بازداشت کرده‌اند. دولت استرالیا یکی

از دولت‌هایی است که پس از خروج آمریکا از توافق‌نامه اقلیمی پاریس اعلام کرد نه تنها تولید زغال‌سنگ را از سر می‌گیرد بلکه آن را افزایش هم می‌دهد. دولتمردان استرالیا تاکنون هیچ‌یک از شواهد علمی مبنی بر واقعی بودن تغییرات آب‌وهوایی را نپذیرفته‌اند در همین حال تحقیقی که توسط دانشگاه فناوری کوئینزلند استرالیا، انجام شده، گروهی از ربات‌ها را مسئول نشر اخبار نادرست در مورد آتش‌سوزی‌های استرالیا معرفی کرده است. یکی از پژوهشگران این دانشگاه با زیر نظر گرفتن عده‌ای از کاربران که از هشتگ‌های تش‌افروزی برای آتش‌سوزی استرالیا استفاده می‌کردند، متوجه شد پروفایل‌های جعلی و گروه‌های دروغ‌پراکنی در این زمینه دست داشته‌اند. این نخستین بار نیست که فرضیه‌های منحرف‌کننده از علت اصلی فجایع محیط‌زیستی مطرح می‌شود. پس از آتش‌سوزی کمپ فایر (Fire Camp) که مخرب‌ترین و مرگبارترین آتش‌سوزی جنگل در تاریخ کالیفرنیا محسوب می‌شود، برخی آزمایش اسلحه فوق پیشرفته را عامل آتش‌سوزی دانستند (رحیمی آشتیانی، ۱۳۹۸: ۳).

آتش‌سوزی جنگل‌های استرالیا زنگ خطر بزرگی است که تأثیر ویرانگر تغییرات اقلیمی را بیش از پیش آشکار می‌سازد؛ رخدادهایی که دانشمندان اقلیم‌شناس از سال‌ها پیش نسبت به وقوع آن هشدار می‌دادند اکنون به وقوع پیوسته است؛ «تشدید» عوامل طبیعی همچون سیل، خشکسالی، آتش‌سوزی، زمین‌لرزه و... که این پیام را می‌رساند که اگر دولت‌ها در گام نخست برای کاهش انتشار کربن کاری انجام ندهند، امنیت آن‌ها مستقیماً به مخاطره خواهد افتاد. به صورت اجمالی و خلاصه پیامدهای خروج در شکل زیر به طور موردی آورده شده است:

نتیجه‌گیری

نظریه پردازان انتقادی در راستای امنیت زیست محیطی به دنبال حمایت از محیط زیست هستند تا امنیت محیط‌زیستی را تضمین نمایند. از دلایل شکل‌گیری توافق‌نامه پاریس کاهش انتشار دی اکسید کربن، کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای و مشارکت و همگرایی همه‌جانبه کلیه

کشورهای جهان، همچنین برای رفع مشکل گرمایش زمین و تبعات ناشی از آن بر جامعه بشری و حیات کره مسکون است. آمریکا دومین کشور آلاینده جهان است اما باتوجه به محدودیتهایی که این توافق برای استفاده از نفت، گاز، زغال سنگ و ... ایجاد می‌کند دونالد ترامپ ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ اعلام کرد که آمریکا از این توافقنامه خارج می‌شود تا به اقتصاد این کشور آسیبی نرسد. بنابراین می‌توان گفت که با توجه به فرضیه‌ی مقاله که تأثیر خروج آمریکا از توافق پاریس بر تضعیف رژیم بین‌المللی محیط زیست بوده است، رویکرد نظریه‌پردازان انتقادی در حمایت از محیط‌زیست این رویکرد ترامپ را در خروج از توافق پاریس رد کرده و در راستای حمایت از توافق پاریس گام برمی‌دارند.

ترامپ در روز پنج‌شنبه اول ژوئن (۱۱ خرداد) تصمیم خود مبنی بر خروج آمریکا از کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد مقابله با تغییرات آب و هوایی و کاهش کاهش گازهای گلخانه‌ای (موسوم به معاهده اقلیمی پاریس) را اعلام کرد. وی این اقدام خود را در جهت حمایت از «منافع ایالات متحده به عنوان بالاترین اولویت رئیس‌جمهوری» اعلام کرده و گفته است که این پیمان مانع برنامه‌های اشتغال‌زایی و افزایش رشد اقتصادی آمریکا می‌باشد.

اقدام ترامپ مبنی بر خروج از پیمان پاریس بدون شک پیامدهای ناگواری هم برای آمریکا و هم برای جهان خواهد داشت. این اقدام ترامپ در واقع عدم پایبندی آمریکا به توافقات بین‌المللی را نشان می‌دهد که می‌تواند به پرستیژ و موقعیت جهانی ایالات‌متحده آسیب جدی بزند. این اقدام همچنین به کاهش اعتبار و اتکای سایر شرکای غربی و بویژه اروپایی‌ها به واشنگتن منجر خواهد شد. همچنین دیگر کشورها با خروج واشنگتن از توافق پاریس در مورد همکاری با کاخ سفید بر سر دیگر مسائل تردید نشان خواهند داد. به‌طور کلی باید گفت خروج آمریکا از پیمان پاریس می‌تواند تهدیدی جدی برای برنامه‌های مهار گرمایش زمین به حساب آید. این اقدام ترامپ در واقع نشان می‌دهد که بزرگترین کشور آلاینده محیط‌زیست جهان، چندان اعتنایی به مقوله حفاظت محیط زیست ندارد.

آمریکا در سال ۲۰۱۶، به توافق نامه پیوست و تنها راه خروج از آن رعایت ماده ۲۸ توافق نامه پاریس است. طبق این ماده اعضا در صورتی که بخواهند از توافق نامه جدا شوند حدود چهار سال پس از جاری شدن توافق نامه این امکان برای آنها مهیا می شود بنابراین خروج از توافق نامه یک فرآیند چهار ساله است و تا پایان دوره ریاست جمهوری ترامپ طول می کشد تا فرآیند خروج نهایی شود. افزون بر این شرایط سیاسی داخل آمریکا و موضع گیری تند دبیر کل سازمان ملل، نه تنها در سرنوشت این موضوع بی تاثیر نیست بلکه نقش مهمی را ایفا می کند و باید ببینیم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. این تصمیم به همان اندازه که می تواند از سویی به افزایش قدرت نرم چین و سایر قدرت های متعهد به معاهده پاریس منجر شود، می تواند بر فرسایش قدرت نرم آمریکا در عرصه بین المللی و فرسایش سرمایه اجتماعی دولت آمریکا در داخل این کشور نیز منتهی شود.

این مقاله در پاسخ به این سؤال که خروج آمریکا از توافق نامه پاریس چه تأثیری بر رژیم بین المللی محیط زیست دارد؟ این فرضیه را به اثبات رساند که خروج آمریکا از توافق نامه پاریس با افزایش روند حمایت گرایی در دولت های عضو و کاهش تعهد به اجرای توافق نامه پاریس، تضعیف رژیم بین المللی محیط زیست و روند تغییرات اقلیمی را تشدید خواهد کرد.

فهرست منابع

- ۱- احسانی، مهرزاد و هومن خالدي (۱۳۸۲). بهره‌وری آب کشاورزی ایران، تهران: انتشارات آبیاری و زهکشی ایران.
- ۲- احمدی، حمیرا (۱۳۹۸)، خروج ترامپ از معاهده زیست محیطی پاریس، هشتمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، شیراز، موسسه آموزشی مدیران خبره نارون.
- ۳- افضل‌ی، توحید (۱۳۹۷). خطوط جدید سیاست خارجی آمریکا در دوران ترامپ، اندیشکده راهبردی تبیین، ۲۲ خرداد.
- ۴- اقتصاد آنلاین (۱۳۹۶). خروج آمریکا از معاهده پاریس چه پیامدهایی دارد، قابل دسترسی در: www.eghtesadonline.com
- ۵- پایگاه تحلیلی خبری الوقت (۱۳۹۶). تبعات و نتایج خروج آمریکا از معاهده اقلیمی پاریس، قابل دسترسی در: <http://alwaght.com/fa/News/99651>
- ۶- پین، مایکل (۱۳۹۴)، فرهنگ اندیشه انتقادی (از روشنگری تا پسا مدرنیته)، ترجمه پیام یزدان جو. تهران: نشر مرکز.
- ۷- ترابی، قاسم (۱۳۸۹). محیط زیست از منظر واقعگرایی، لیبرالیسم و بومگرایان افراطی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره ۳، پاییز.
- ۸- خانجانی، روزبه (۱۳۹۷). میراث جرج بوش پدر برای محیط‌زیست و اقلیم و جهان. سایت انرژی و محیط‌زیست.
- ۹- دانشی، ذوالفقار (۱۳۸۷). اوپاما سیاست آمریکا در حوزه محیط زیست را اصلاح می‌کند، خبرآنلاین.
- ۱۰- رحیمی آشتیانی، دلیله (۱۳۹۸). مرگ تدریجی یک دنیا؛ پیامدهای انکار تغییرات اقلیمی، خبرآنلاین، کد خبر ۱۳۴۱۶۰۶.
- ۱۱- روزنامه جوان (۱۳۹۷). دکترین خروج آمریکا، سرویس بین‌الملل جوان آنلاین.
- ۱۲- رئیس‌ی، لایلا (۱۳۸۷). رابطه حفاظت از محیط زیست با صلح و توسعه پایدار، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال سوم، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز و زمستان.
- ۱۳- شعراف، سپیده (۱۳۹۶). خیانت به گهواره حیات، روزنامه جام جم، شماره ۴۷۴۸.
- ۱۴- عبدالرحیم خباز، سمیرا (۱۳۹۷). چرا «پروتکل تغییر اقلیم کیوتو» شکست خورد؟، خبرگزاری فارس.
- ۱۵- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۱). «نظریه رژیم‌های بین‌المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۷، پاییز.
- ۱۶- قاسمی‌تمر، محمد (۱۳۹۸)، تاثیر خروج ایالات‌متحده آمریکا از توافقنامه اقلیمی پاریس از منظر حقوق بین‌الملل، ششمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران، موسسه پژوهشی مدیریت مدبر.
- ۱۷- کلبری، سمیه (۱۳۹۶). لغو پیمان‌نامه زیست‌محیطی پاریس از سوی آمریکا و اثر آن بر بازار انرژی، قابل دسترسی در: www.asrebazar.com/Home/News/64017

- ۱۹- محرم‌نژاد، ناصر (۱۳۷۸). ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی، معاون سازمان حفاظت محیط‌زیست در امور محیط‌زیست انسانی.
- ۲۰- مدبر، روح‌الله (۱۳۹۶). خروج ترامپ از توافقنامه پاریس و شکست فرهنگ هژمونی آمریکا، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- ۲۱- مدسن، وین (۱۳۹۷). سازمان‌های بین‌المللی و دکتترین خروج ترامپ، خبرگزاری فارس.
- ۲۲- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۷). «بررسی جنبه‌های مختلف امنیت زیست‌محیطی با رویکرد مکتب انتقادی»، مجله محیط‌شناسی، سال سی و چهارم، شماره ۴۶، تابستان.
- ۲۳- میرطاهر، سیدرضا (۱۳۹۸). ادامه دکتترین خروج ترامپ از پیمان‌های بین‌المللی، خبرگزاری صداوسیما.
- ۲۴- نیلوفری، سامان (۱۳۹۷). بررسی رویکرد یکجانبه‌گرایی دولت آمریکا در توافقنامه پاریس از منظر حقوق بین‌الملل، کنفرانس بین‌المللی امنیت، پیشرفت و توسعه پایدار مناطق مرزی، سرزمینی و کلان‌شهرها، راه‌کارها و چالش‌ها با محوریت پدافند غیرعامل و مدیریت بحران، تهران، دانشگاه افسری امام علی^(ع).
- 25- Campbell, Colin (January 18, 2016). "TRUMP: I was joking when I said the Chinese 'created' the concept of climate change". Business Insider
- 26- Emmie, Martin, (January 23, 2017). "Donald Trump is officially the richest US president in history". Business Insider. Retrieved September 9, 2017.
- 27- Haass R. (2017). "Trump foreign policy has found its theme: The Withdrawal Doctrine. US have left/threatening to leave TPP, Paris accord, UNESCO, NAFTA, JCPOA". Twitter. Available at: <https://twitter.com/RichardHaass/status/918471381511229440>(accessed 12 October 2017).
- 28- Koronowski, Ryan. June 16, 2015. It Snowed Once and Other Things Donald Trump Thinks Prove Global Warming Is A Hoax. ThinkProgress. Retrieved August 22, 2015.